گفت‌وگو با جلال‌الدین دری کارگردان فیلم نرگس مست

نشان دادن پایه‌های محکم موسیقی ملی

سحر طاعتی

آجرهای خانه موسیو خاچیک، تار ساز قدیمی رنگ و بوی موسیقی دارد هر روز ستون‌های این خانه آوازهای قمرالملوک وزیری را می شنوند. صدای عارف وشیدا و البته شعرهای فرخی یزدی. خانه‌ای که روایت‌های تلخ و شیرین موسیقی و موزیسین‌های دوران مختلف را به خود دیده، محلی شده برای تمرین گروه موسیقی جوانی که نیازمند سقفی برای تمرین بود تا شاید با گرفتن مجوز کنسرتشان بتوانند آثارشان را به صحنه ببرند. موسیو خاچیک در اتاق کناری در خلوتش مشغول ساختن تارهایی است که در بازار به نام دیگری به فروش می‌رسد. او هر بار با شنیدن یکی از تصنیف‌هایی که گروه تمرین می‌کند و دیدن اشخاص مختلف در زمان سفر می‌کند و در ذهن خود آنها را به شخصیت‌های سرنوشت‌ساز موسیقی ایران یعنی علی اکبر شیدا، عارف قزوینی، فرخی یزدی و قمرالملوک وزیری بدل می‌کند.

داستان رؤیایی موسیو خاچیک با چهار شخصیت برجسته موسیقی ایران «نرگس مست»ی است که از ذهن موسیقایی جلال‌الدین دری در مقام نویسنده و کارگردان گذشته و با گذر از سختی‌های بسیار به واسطه مضمون فیلم بعد از ۴ سال به مدت یک هفته اکران شد، چرا که کرونا نیز مانع جدیدی برای فیلم «نرگس مست» شد. این فیلم که توانسته از نظر تکنیکی و هنری برنده جشنواره «ایندین فست» امریکا شود این روزها اکران آنلاین خود را تجربه می‌کند.

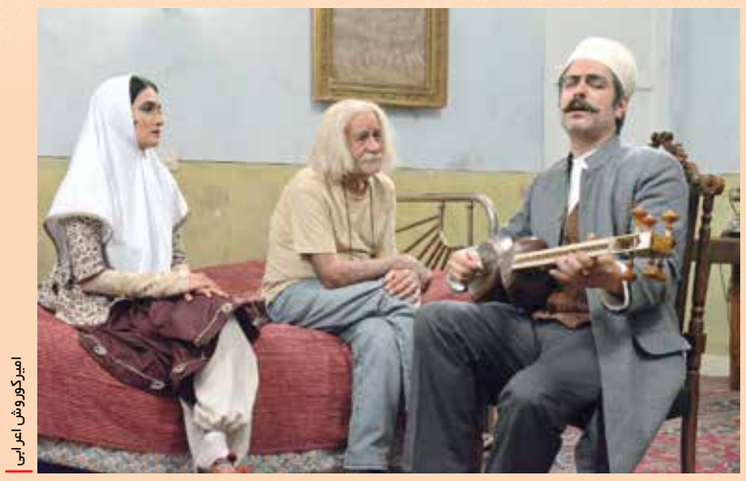
■ فیلم نرگس مست اولین تجربه بلند سینمایی شماست چرا در اولین تجربه به سراغ این سوژه رفتید و زندگی ۴ چهره تأثیرگذار در موسیقی ایران را همچون علی اکبر شیدا، عارف قزوینی، فرخی یزدی و قمرالملوک وزیری به تصویر کشیدید؟

من در گذشته یک فیلم بلند با موضوع موسیقی در خارج از ایران ساختم که درباره دانشجویان موسیقی از جوامع و ادیان مختلف بود که با هم زندگی می‌کردند و موسیقی آنها را به هم پیوند داده بود. همچنین فیلم کوتاه دیگری هم درباره یک نوازنده زن ساخته بودم اما به واسطه علاقه‌ای که از نوجوانی به موسیقی داشتم مدتی نیز به فراگیری این هنر پرداختم و از آنجایی که معتقدم موسیقی یکی از هنرهایی است که بیانش بدون زبان است تصمیم به ساخت «نرگس مست» گرفتم.

من چهره‌هایی را برای ساخت فیلم انتخاب کردم که سردمداران موسیقی معاصر ایران هستند که می‌شود برای هرکدامشان نه فیلم بلکه سریال ساخت هر چند که در کشور ما به چنین سوژه هایی اهمیت داده نمی‌شود، اما برای من مهم بود که از شخصیت های موسیقی معاصر خودمان فیلم بسازم که بگویم پایه‌های موسیقی‌مان از کجا نشأت گرفته است.

■ فیلمنامه برگرفته از منابع موجود موسیقی است یا ساخته و پرداخته ذهن شما به عنوان نویسنده و کارگردان است؟

هردو؛ برخی بخش‌ها عیناً واقعه تاریخی است که من زمان و مکانش را تغییر دادم ،مثلاً مرگ عارف دقیقاً همانگونه اتفاق افتاده که در فیلم می‌بینیم و دیالوگش همان است که می‌گوید مرا ببرید کنار پنجره می‌خواهم آسمان ایران را ببینم تا بمیرم، اما مکان فوتش قلعه همدان نیست بلکه خانه موسیقایی موسیو است و عشق علی اکبر شیدا به دختر کلیمی همان روایت منابع تاریخی است. درواقع با اضافه کردن عنصر تخیل که همه این اتفاقات در تخیل


امیرکوروش اعرابی

موسیو خاچیک می‌گذرد این اجازه را به من می‌داد که برخی مکان ها و زمان ها را تغییر دهم یعنی خانه موسیو خاچیک دریچه ورود به تاریخ است و از منظر موسیو خاچیک به گذشته می‌رویم و برمی گردیم.

■ با این توضیح که فیلمنامه هم ساخته و پرداخته ذهن شماست، هم براساس منابع تاریخی است در مدت اکران واکنشی از اهالی موسیقی مخصوصاً پژوهشگران داشتید که چرا تحریف در تاریخ صورت گرفته یا چرا اینگونه بیان شده اند؟

من ازاین همه سکوت و بی‌واکنشی اهالی موسیقی به این فیلم در تعجبم. فیلمی بعد از ۳۰ سال در زمینه موسیقی ساخته شده البته بعد از فیلم دلشدگان که تنها موضوعش موسیقی بود نه اینکه کاراکترها موزیسین باشند و هیچ واکنشی از سوی اهالی موسیقی صورت نگرفته است و این نشان از آن دارد که هر چه بر سرموسیقی می آید مقصر خودمانیم. من حمایت مالی نمی خواهم فقط بی‌واکنشی آنها برایم عجیب است البته می دانم خیلی ها فیلم را دیده‌اند اما انگار نه انگار کاری برای آنها شده و حرف دلشان زده شده. من در این مدت از علاقه‌مندان پیام‌های پرمهری گرفتم ولی از اهالی موسیقی هیچ. از خود آهنگساز فیلم آقای درخشانی که سکوت کرده و چیزی نمی گوید گرفته تا استادان دیگر و خانه موسیقی، انجمن موسیقی، دانشکده‌های موسیقی و....

من دراین فیلم به تاریخچه موسیقی و ظلمی که به این هنر شده، به مشکلات نوازندگان و خوانندگان، صدای بانوان، مسائل مربوط به مجوز و حتی مشکلات سازها پرداخته‌ام فارغ از اینکه تنها فیلمی است که درتاریخ ۱۱۰ ساله سینما تا به امروز درباره چند کاراکتر برجسته موسیقی ما علناً صحبت و دفاع می کند به هر اندازه و بضاعتی که دارد؛ هیچکس تا به حال این کار را نکرده و هیچ شخص دیگری هم نخواهد کرد.

حال اگر می آمدم درباره یک شخص لاابالی و زورگیر فیلم می‌ساختم بازتاب‌ها فرق داشت وهمه اماکن فرهنگی و هنری ازمن حمایت می کردند.

■ قطعاتی که در فیلم شنیده می شود از تصانیف ماندگار موسیقی ایران است که توسط آقای درخشانی بازسازی شده و گروه موسیقی خورشید به خوانندگی اشکان کمانگری، عباس حبیبیان و فایضه کامیاب بازخوانی شده. چرا از اصل قطعات برای نشان دادن فضای موسیقی گذشته بهره نبردید؟

اصل موسیقی ها خیلی موجود نیست یا اگر هست کیفیت اش پایین است، به‌عنوان مثال اگرمی خواستم تصنیف «آتش دل» قمر الملوک وزیری را استفاده کنم کیفیت نداشت و به سختی شنیده می‌شود و حتی تصمیم داشتیم لابه لای صدای خانم کامیاب که در فیلم ام به جای قمر می خواند یک اشاره به صدای قمر بزنیم و برگردیم که به خاطر کیفیت پایین اثر این امکان فراهم نشد. درباره تصنیف «از خون جوانان وطن» هم که نسخه اصلی موجود نبود، هر چند که می خواستیم اجرای این قطعه جنبه نمایشی هم داشته باشد، چرا که عارف در حین خواندن این اثر موقعی که به واژه وطن می‌رسد یکدفعه حالش بد می‌شود و از روی صندلی می‌افتد و من هم سعی کردم این اتفاق را در لحن آواز آقای کمانگری بگنجانم که بعداً در حین اجرا به مشکل برنخورد، چون ما اول موسیقی ها را ضبط و سپس فیلمبرداری را شروع کردیم.

■ در فیلم به زندگی عارف و شیدا و یزدی مفصلاً پرداخته شده اما به زندگی قمرالملوک وزیری فقط اشاره‌ای گذرا کرده اید. این جریان به کمبود منابع برمی گردد یا معذوریتی که برای خوانندگان زن وجود داشته؟

به نظرم بخش کوتاه زندگی قمر نکته ای از فیلم است که باید برایش مورد تقدیر قرار گیرم ،چرا که توانستم دقایقی از فیلم را به اولین خواننده زن موسیقی ایران اختصاص دهم ؛چیزی که تا به حال رخ نداده است. متأسفانه بیشترین حذف فیلم من متعلق به بخش بانو قمر بوده. من مصیبتی کشیدم تا توانستم تصویر و صدای قمر را در «نرگس مست» بگنجانم؛ صدایی که حتی در فیلم آقای فرهادی هم اجازه پخش نگرفت. در شوراها من گفتم در فیلم‌ام قمر نمی‌خواند حتی دیالوگی که برایشان گذاشتم این بود که من دنبال گوش های مطمئنم، البته من حرفم را با این دیالوگ زدم ولی سرقولم هم ماندم که گفتم صدای قمر را نمی گذارم ،ولی خواننده گروه خانم کامیاب از قمر می خواند و یک لحظه در ذهن موسیو، قمرالملوک وزیری جلوه می کند.

■ نقدهای سینمایی به شما وارد شده مبنی بر اینکه پردازش شخصیت‌ها بخوبی اتفاق نیفتاده و می‌توانست بهتر باشد؟

نسخه اولیه فیلم بعد از مونتاژ ۱۱۸ دقیقه بود که متأسفانه ۸ دقیقه آن را کوتاه کردند. بعد مطرح کردند که زمان فیلم باید حداکثر ۱۰۰ دقیقه باشد ما مجبور به حذف شدیم، دوباره گفتند باید ۹۰ دقیقه باشد. ازاین زمان ۱۲ دقیقه کلیپ داشتم که نمی‌توانم حرف بزنم وباید هم باشد ؛درواقع من ۷۰ دقیقه زمان داشتم برای گفتن ۷ قصه، یعنی آن بخش‌هایی که برای سانسور و حذف اتفاق افتاده لطمه‌هایی را وارد کرده است. من اگرمی خواستم تنها به یک شخصیت بپردازم خیلی حیف می‌شد یک سری از آدمها ذهنیتی نسبت به عارف و شیدا دارند که وقتی ببینند متوجه می‌شوند آنهایی هم که شناختی ندارند در همین اندازه‌ای که ببینند متوجه می‌شوند که مثلاً تصنیف «از خون جوانان وطن» را عارف ساخته نه شجریان. حتی در همین حد که بشناسند عارف چند تا از ملودی های قدیمی را ساخته کارکردش برای من ازطرف فیلم انجام شده. من نمی‌توانستم با امکانات محدود و بدون حمایت هیچ کجا یک فیلم فرهنگی بسازم که تا یک عمر بدهی اش را بپردازم و ریسک کنم به جای چهار شخصیت با یک کاراکتر فیلم بسازم. به نظرم ساخت این فیلم با همه نقدهایی که مطرح شده در زمانی که موسیقی اصیل مهجور مانده و موسیقی مبتذل پیشرو است حرکتی رو به جلو بود.

■ «نرگس مست» فیلمی کاملاً موسیقایی است که اگر کسی شناختی از موسیقی ایران نداشته باشد کمتر می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند و به نوعی در بین داستان وتشخیص کاراکترها سردرگم می‌شود.

هرفیلمی مخاطب خاص خودش را دارد. تایتانیک یکی از پرفروشترین فیلم‌های تاریخ سینمای معاصر است که برخی از آن خوششان نیامد یا کازا بلانکا ؛مخاطب نداشتن دلیل بر بدبودن فیلم نیست. من قبول دارم که فیلم «نرگس مست» نمی‌تواند همه را جذب کند. قرار هم نیست هرکسی که فیلم را می‌بیند به اندازه آدمی که اهل موسیقی و محقق فرهنگ و هنر است از آن لذت ببرد. در روزهای اکران با شخصی که خودش در سینما کار می‌کرد هم‌صحبت شدم و او فکر می‌کرد «شیدا» زن است. به‌هر حال این فیلم ساخته شده و مخاطب خاص خودش را دارد و ممکن است یکسری هم ببینند و برایشان جرقه‌ای باشد و شناخت پیدا کنند که قمرالملوک وزیری اولین خواننده زن ایران و اولین سلبریتی ایران بوده. موسیقی در زمانی که سینما و تئاتر نداشتیم خواننده محور نبوده و او اولین خواننده زنی است که در عام خواند و محبوب شد به طوری که همه ازکف خیابان تا دربار او را می‌شناختند.

■ در روند فیلم علاوه بر پرداخته شدن به زندگی بزرگان موسیقی معاصر ایران شاهد اتفاقات دیگری همچون مشکلات گروه موسیقی برای دریافت مجوز و کنسرت و...هستیم. این موارد در کنار هم قرار است ظلم وجفایی را که به موسیقی شده در کنار روایت زندگی موزیسین‌ها بیان کند و در عین حال هم به مسائل سیاسی و اجتماعی که همیشه در حواشی موسیقی نقش پررنگی داشته است.

همه این مشکلات در همه دوران برای موسیقی بوده یعنی عارف و شیدا نیز بشدت درگیر مسائل سیاسی بودند ؛عارف که سیاستمدار و هنرمند و اولین کسی است که ترانه معترض را وارد موسیقی ایران می‌کند و وجه دیگری از موسیقی را نشان می‌دهد همین تصنیف «ازخون جوانان وطن» هیچ وقت بوی کهنگی نمی‌گیرد. همیشه و درهمه دوران‌ها کاربرد دارد. یکی از دلایلی که من این فیلم را ساختم این بوده که ما الگوهایمان را فراموش کردیم ،الگوی موسیقی ما عارف بوده؛ الگویی که برای ما موسیقی عاشقانه می‌ساخته شیداست. الگوی کسی که مبارزه می‌کرده فرخی یزدی است. یک خواننده والگوی ستاره بودن قمراست نه آقا یا خانم فلانی.

■ آیا قرار است در آینده فیلم‌هایی از این دست با محتوای موسیقی از شما ببینیم؟

بعید می‌دانم. هم در روند ساخت اذیت شدم هم در زمان اکران از بی‌توجهی اهالی موسیقی دلگیرم. من توقع حمایت مالی ندارم ،کاری که تمام شده و سختی‌هایش هم گذشته. کسی در نظر نمی‌گیرد که در طول ۱۰۰ سال تاریخ موسیقی ایران چنین فیلمی ساخته شده ونمونه ندارد. ما دراین فیلم معضلات موسیقی را بازگو می‌کنیم ودرباره افراد جدی موسیقی ایران حرف می‌زنیم ،شاید من فیلم مهمی نساخته‌ام اما بشدت درباره آدم های مهم است، اما وقتی می‌بینم جامعه موسیقی در قبال آن ساکت است فکر می‌کنم این آدم ها دیگر اهمیت ندارند. مراکز موسیقی همچون خانه موسیقی وانجمن موسیقی شعب بهشت زهرا نیستند که فقط با مرگ هنرمندان واکنش نشان می‌دهند؛ اینها اهدافی دارند که متأسفانه به اهدافشان هم عمل نمی‌کنند و خیلی منفعل با مسائل واتفاقات موسیقی برخورد می‌کنند.

> برای من مهم بود که از شخصیت های موسیقی معاصر خودمان فیلم بسازم که بگویم پایه‌های موسیقی‌مان از کجا نشأت گرفته است

یادداشت

راوی موسیقی قمر


فایضه کامیاب
خواننده
موسیقی ایرانی

همکاری من در این فیلم از طریق آقای درخشانی اتفاق افتاد و از آنجایی که علاقه بسیار به موسیقی فیلم و کارهای تصویری دارم این دعوت را پذیرفتم و افتخار داشتم تصنیف «آتش دل» خانم قمر را به همراه موسیقی تیتراژ بخوانم.

قمرالملوک وزیری ستاره آواز ایران است که تا به امروز کسی را همتای ایشان نداریم، قطعه «آتش دل» و دیگر قطعات فیلم از جمله تصانیف بسیار مهم در موسیقی ایرانی هستند که اجرا کردنشان هم کار آسانی نبود چرا که نقطه اوج قطعه (آتش دل) خانم قمر در گستره صوتی من نیست که این کار را سخت‌تر می‌کرد اما از آنجایی که در روند موسیقی فیلم این بخش قرار نبود اجرا شود توانستم حق مطلب را ادا کنم که امیدوارم موفق بوده باشم.

معتقدم بازخوانی یک اثر تا وقتی که آهنگساز و خواننده آن اثر در قید حیات هستند کار درستی نیست. وقتی اثری به بهترین شکل اجراشده لزومی ندارد من خواننده جوان دوباره آن را بازخوانی کنم هر چند که بسیاری از خواننده‌ها این کار را می‌کنند چرا که ممکن است خیلی تسلط بر اجرای تصانیفی که برای آنها ساخته می‌شود نداشته باشند اما درمقابل تصنیف‌های قدیمی را بارها شنیده و خوانده و درکش کرده‌اند و خواندنش برایشان راحت‌تر است. اما بازخوانی قطعات در فیلم «نرگس مست» متفاوت است چرا که ما گذشته موسیقی ایران را در ذهن یکی از شخصیت‌ها در فیلم مرور می‌کنیم. در واقع موسیو خاچیک خاطرات و داشته‌های موسیقایی‌اش را مرور می‌کند و می‌باید به‌جای ساخت قطعه جدید که شاید جذاب هم می‌شد، همان تصانیف قدیمی مرتبط با خاطرات موسیو اجرا می‌شد که این مستلزم بازخوانی بود.

این روزها جامعه عمومی ما را از میل کردن به موسیقی ایرانی فاصله دادند. براین اساس من به‌عنوان کسی که در موسیقی ایرانی فعالیت می‌کنم دین و رسالتی به دوش دارم که باید با خواندن صحیح هر اثری درموسیقی سنتی تلاش کنم ذائقه مردم را هر چند اندک به گذشته‌هایی که اصالت و فرهنگ ماست و باید پایدار بماند برگردانم و بکوشم که ریشه‌هایمان را حفظ کنم.

معرفی موسیقی ایرانی به عامه مردم


اشکان کمانگری
خواننده
موسیقی ایرانی

فیلم نرگس مست را می‌توان فیلمی در جهت معرفی و شناساندن موسیقی اصیل ایرانی به عموم جامعه دانست چرا که مملو از موسیقی‌های نابی است که هر بیننده را با اصل و ریشه‌های موسیقایی ایران آشنا می‌کند. کمانگری دراین باره معتقد است مارکت سینما با موسیقی کاملاً متفاوت است و درصد مخاطبانی که مجال می‌یابند به سالن کنسرت بیایند نسبت به مارکت سینما کمتر است. طبیعتاً آنجا می‌تواند برای معرفی موسیقی گذشته ایران فرصت مناسبی باشد تا بدنه جامعه و عموم مردم با موسیقی اصیل آشنا شوند. متأسفانه در این سال‌ها چنین اثری با این دیدگاه شکل نگرفته و جایش بسیار خالی بود. به‌خاطر علاقه‌ام به موسیقی قدیم و اهمیت و جایگاهی که این بخش از موسیقی دارد و از آنجایی که باید آن بخش از موسیقی با همان ظرافت‌ها حفظ شود اگر قرار است نمایش داده شود باید با دقت و ظرافت گفته شود اما همیشه به این نکته هم فکر کرده‌ام که اگر قرار است آن موسیقی را در یک میزانسن و قاب جدید برای حال و هوای امروزمان کار کنیم باید با رعایت قرارهایی که در آن موسیقی هست حرکت کنیم. امروزه اسباب کار تغییر کرده است. اصلاً بحث بر سر بهتر بودن یا نبودن امکانات امروز نیست اگر در گذشته موسیقی به کیفیتی در ضبطش می‌رسید در دوره خودش بسیار مطلوب بوده ولی امروز مخاطب ما توقع دارد در فیلمی که بر پرده سینما پخش می‌شود موسیقی را هم پای سینما با امکانات امروزی بشنود از این جهت ناگزیر هستیم که از موسیقی قدیم در هر دوره بازخوانی‌ها و روایت‌هایی داشته باشیم و در بعضی موارد حتی این کار معنای بازآفرینی هم به خود می‌گیرد. استادان بزرگی در عرصه موسیقی داشتیم و امروز هم جوانانی داریم که با تکیه به داشته‌های گذشته فقط بازخوانی نمی‌کنند بلکه بازآفرینی می‌کنند به‌عنوان مثال طی سال‌های گذشته اجراهای زیبایی از قطعه «مرغ سحر» شنیدیم که بازآفرینی شده نه بازخوانی و این اجراهای تازه به آن چیزی که در گذشته بوده حرمت گذاشته وآسیبی به سرمنشأ و اصل قطعه نزدند.

شخصیت‌ها در گذر زمان

عارف قزوینی



شاعر و تصنیف ساز ایرانی است که تصنیف‌های وطنی-سیاسی یا عاشقانه می‌ساخته. او از نخستین کسانی است که در ایران کنسرت برگزار کرد و به جنبه غیرمجلسی بودن و مردمی بودن آن تأکید می‌ورزید. عارف در مورد تصنیف و تصنیف‌سازی عقیده داشت که تصنیف نباید تحریر داشته باشد تا مردمی که صدا و تحریر ندارند بتوانند براحتی از پس اجرای آن برآیند.

«از خون جوانان وطن لاله دمیده» هفتمین و مشهورترین تصنیف از مجموعه سروده‌های عارف قزوینی است که نخستین اجرای آن با صدای خود عارف بود. عارف این تصنیف را تنها با یک سه تار اجرا کرده است که از آن اجرا هیچ نسخه صوتی موجود نیست. در فیلم نرگس مست، مهدی پاکدل در نقش عارف هنرنمایی می‌کند.

علی اکبر شیدا



علی اکبر شیدا، موسیقیدان، شاعر، ترانه‌سرا و خوشنویس ایرانی معاصر بود. او صاحب مشهورترین آثار موسیقی ایرانی در یکصد سال گذشته است. او سه تار را به منزله ساز آهنگسازان رواج داد و در سال‌هایی آهنگ و تصنیف می‌ساخت که بهره‌گیری از این سه‌تار در میان هم سلکان او رواج یافته بود و او با بهره‌گیری از این دستاوردها، فضای تصنیف را دگرگون ساخت. درواقع او بازگشتی است به نسلی از موسیقیدانان ایرانی که هم شاعر بودند، هم نوازنده و هم آهنگساز.

شیدا احیاگر تصنیف ایرانی است که در فیلم نرگس مست سیامک صفری نقش او را بازی می‌کند.

قمرالملوک وزیری



او اولین خواننده زن موسیقی ایران است که در جوانی پس از آشنایی با مرتضی نی داوود با ردیف موسیقی ملی آشنا شد و راهش را برای کسب تجربیات از استادان دیگر هموار ساخت.

قمر عواید کنسرت هایش را به امور خیریه اختصاص می‌داد و با گشایش رادیو ایران در سال ۱۳۱۹ صدای قمر به گوش همگان رسید. سازمان ملل نام قمرالملوک وزیری را در پرونده سالانه خود ثبت کرده است.

در فیلم بلند سینمایی نرگس مست، نگار عابدی در نقش قمرالملوک وزیری بازی کرده است.

میرزا محمد فرخی یزدی



شاعر و روزنامه‌نگار آزادی‌خواه و دموکرات صدر مشروطیت است. وی سردبیر روزنامه طوفان بود و در دوران سلطنت رضاشاه، در سال ۱۳۰۷ به‌عنوان نماینده مجلس شورای ملی در دوره هفتم قانونگذاری از طرف مردم یزد انتخاب شد.

او شاعر اعتراضی بود که به دستور حکومت لبانش دوخته شد.

نقش او را در فیلم نرگس مست، هومن برق نورد ایفا کرده است.